

چالش‌های آموزش عالی در ایران

سخنرانی افتتاحیه وزیر علوم، تحقیقات و فناوری در هشتمین اجلاس مشترک هیات‌های امنای دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی کشور

«والعصر، ان الانسان لفي خسر، الا الذين آمنوا و عملوا الصالحات و تواصلوا بالحق و تواصلوا بالصبر»

حضور اعضای محترم هیات‌های امنای دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی کشور را در این نشست ارزنده صمیمانه ارج می‌گذارم. امروز تصمیم دارم که در جمع دانشمندان، متفکران ارجمند، مسوولان و مدیران دانشگاهی کشور به بیان صورت مساله یا پرسش‌ها و چالش‌های مقدری که در حوزه آموزش عالی و پژوهشی با آن‌ها روبه‌رو هستیم و بر آن اساس به سیاست‌ها و راهبردهای مورد نظر بپردازم. ما اصل مهمی در علم طب داریم که «تشخیص درست، آغاز و مقدم بر درمان است» و به گفته محققان علوم اجتماعی هم «تعریف درست مساله، نیمه راه حل است»، البته علاوه بر درستی «تشخیص» و «تعریف مساله» اهمیت زمان را هم در پرداختن به «درمان» باید مدنظر داشت. خدای تعالی هم با مقدس دانستن زمان به آن سوگند می‌خورد، تا انسان به اعتبار آن از روزمرگی که نتیجه آن «خسران» و بی‌حاصلی است، بیرون آید. «ایمان»، «عمل صالح» و «تواضعی به حق و تواضعی به صبر» به عنوان عمل جمعی، تنها عواملی هستند که می‌توانند فرصت‌ها و زمان مقدس را در خدمت پیشرفت انسان و جامعه قرار دهند.

بدون تردید جامعه ما با مسائل فراوانی روبه‌رو است، که بسیاری از آن‌ها ریشه تاریخی و اجتماعی- فرهنگی دارند. اما نمی‌توانیم تردید کنیم که هم سرچشمه دردها در توسعه نیافتگی علمی است و هم آغاز درمان آن‌ها در توسعه علمی. به تعبیر زیبای حضرت رسول اکرم (ص) «العلم لقا الح معرفه»- دانش آستن شناخت و

معرفت است- و ما برای بالا بردن شناخت و معرفت جامعه در همه زمینه‌ها بیش از همیشه نیازمند توسعه علمی هستیم. هر فرد و جامعه‌ای به تناسب دانایی خود زندگی می‌کند. مضایق و تنگناها در زندگی اجتماعی و اقتصادی برخاسته از ضعف در توسعه علمی و توسعه نیافتگی در همه زمینه‌ها و این یعنی یک ضرورت برآمده از بینش دینی ما و یک واقعیت تحقق یافته در جهان و جامعه ما و یک واقعیت تحقق یافته در جهان و جامعه ماست.

پیامبر اکرم (ص) در مقام مقایسه می‌فرماید: «العلم خیر من المال، العلم یحرسک وانت تحرس المال»- دانش بهتر از مال است، دانش نگهبان توست ولی تو نگهبان مال هستی- (تصنیف غرر الحکم، ص ۴۸) امروز هم نه در شعار، بلکه در چشم اندازه‌های واقعی جهانی سخن از جابه‌جایی قدرت به اعتبار «دانایی» است، یعنی جایگزینی دانش به جای زور و سرمایه و محوری شدن «دانش» در مناسبات ملی، منطقه‌ای و جهانی و اعتبار یافتن علم و فناوری در تعیین جایگاه جهانی هر کشور و اقتدار آن. پس بپذیریم که راهبرد «توسعه علمی شرط بقا کشور»، خواست و برنامه یک بخش و یا فقط دستگاه علمی کشور نباید باشد، بلکه باید یک درک و «عزم ملی» باشد.

صرف توجه به فضایل علم و حتی پذیرش الزامی آن منجر به توسعه علمی نمی‌شود؛ توسعه علمی به معنای اتکالی جامعه به روش و دانش عقلانی و علمی برای حل مسائل زندگی اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی است که به رغم معطوف بودن به مسائل اجرایی، دارای زمینه‌های نظری و پایداری هم

هست. علم باید عملاً برای ما معنا بیابد و در منظومه ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی ما، هم در سطوح اجرایی و هم در سطوح عمومی قرار گیرد و این میسر نمی‌شود مگر آن‌که لوازم و مقتضیات آن هم پذیرفته شود.

برای تحقق توسعه علمی باید زمینه تولید علمی را فراهم کنیم و بدانیم که تولید علمی یکی از نشانه‌های مهم آفرینش فرهنگی و حیات در جهان امروز است که تنها در یک مجموعه و منظومه خلاق صورت می‌گیرد. مساله علم را بدون توجه به مساله فرهنگی و منزلت اجتماعی آن نمی‌توان حل کرد. نازایی علمی در جوامع توسعه نیافته محصول رکود فرهنگی و اجتماعی آن‌هاست و باید برای درمان این نازایی به باروری فرهنگی و اجتماعی فکر کرد. تعبیر حضرت پیامبر (ص) را تکرار کنیم که «دانش» بارورکننده «معرفت» است و اگر جامعه‌ای به باروری علمی رسید یعنی علم و دانش علمی در آن منزلت یافت، می‌توانیم مطمئن باشیم که راه بر رفع مشکلات بنیادی آن کشور نیز گشوده شده است.

در طلیعه تدوین برنامه چهارم توسعه هستیم. در این برنامه به درستی «توسعه مبتنی بر دانایی» برای ترسیم چشم‌اندازهای توسعه‌ای کشور برگزیده شده است، حال باید متناسب با این نیاز به تجربه‌های خود و ضرورت‌های جهانی و اجتماعی توجه کنیم.

علاوه بر سابقه درخشانی که در تمدن اسلامی و ایرانی وجود دارد. بیش از یک صد و پنجاه سال است که اندیشه پیشرفت علمی به صورت‌های گوناگون در کشور ما مطرح شده است، از تاسیس دارالفنون در

سال ۱۳۳۰ شمسی تاکنون فراز و فرودهای فراوانی در مسیر تحرک علمی ایران قابل مشاهده است، روشن است که دلیل تاسیس دارالفنون به وسیله امیرکبیر، پی بردن به اهمیت همین رویکرد علمی است، بنابه نوشته روزنامه وقایع اتفاقیه:

«امنای دولت مقرر داشتند، تعلیم خانه‌ای بسازند که علوم و صنایع در آنجا تعلیم و تعلم شود». واقعیت این است که علی‌رغم این سابقه روشن در توجه به اهمیت علم و تحرک برای نیل به آن، اقداماتی از این دست که امیرکبیر آغاز کرد گسسته ماند و تجربه‌ها تا این زمان به همدیگر متصل نشد و در نتیجه صورت مساله همچنان باقی ماند.

فراموش نکنیم که توسعه در جوامعی نظیر ما از توسعه علمی آغاز می‌شود و اگر علم توسعه پیدا کند، سیاست، اقتصاد و مدیریت ما هم توسعه می‌یابد. قریب یک صد سال پیش مرحوم علامه علی‌اکبر دهخدا مساله اصلی را در کشور ما «علم و آدم» یا به تعبیر امروزی توسعه علمی و منابع انسانی می‌داند و ما هم امروز همان مساله را به عینه می‌بینیم.

انقلاب اسلامی به واقع سرفصل مهمی برای پرداختن بنیادی به بیماری مزمن توسعه نیافتگی علمی بود. اندیشه راهگشای حضرت امام (ره) که دانشگاه را «مبدا تحولات جامعه» می‌دانست و حتی در بحبویه جنگ اهتمام به رفع مسائل نهاد دانشگاه را در راس امور کشور قلمداد می‌کرد، فرصتی مغتنم برای پیشبرد امر توسعه علمی بود.

پیدایش فرصت اصلاحات و ظرفیت‌های جدیدی که پس از حماسه دوم خرداد ۱۳۷۶ برای کشور به وجود آمد، امکان این تحرک را بیشتر کرد و انصاف این است که قدم‌های موثری در مسیر شکوفایی علمی، آموزشی و پژوهشی کشور برداشته شد. در عین حال باید بپذیریم که فرصت کمی برای تصمیم‌گیری‌های بزرگ و بنیادی در زمینه تحول و توسعه علمی داریم. این امر هم نه یک موضوع سلیقه‌ای و نه یک خواست بخشی و نه یک اصرار بی‌وجه شخصی است. باید به جمع بندی تجارب موفق و ناموفق خود در دوران معاصر بپردازیم. این یک ضرورت است که به چشم اندازه‌ها و رویکردهای جهانی توجه کنیم و براساس همه آن‌ها برای پیش بردن یک برنامه علمی به صورت ملی و فرابخش اقدام کنیم.

سه مساله اصلی ۱- «تجدید ساختار علمی کشور» ۲- «رفع اقدامات موازی» که تنها حاصل آن فرسایش منابع معنوی و مادی کشور است و سوم «توجه به حرمت و منزلت نهاد دانشگاه و دانشگاهیان و دانشجویان»، از بدیهی‌ترین لوازم و مقتضیات تحرک و توسعه علمی است. پیش از هر تفسیری درباره این ضرورت‌ها لازم است به رهیافت‌ها و تجربه‌های جهانی و ملی فارغ از هر برداشت سیاسی رو آوریم. توسعه علمی زمینه‌ها و اقتضائاتی دارد. هر جا و در هر زمان که به رسمیت شناخته شده، محقق می‌شود و در هر جا که مانعی بر سر راه آن به وجود آید متوقف خواهد شد. هر گاه این سه موضوع را مسائلی ملی، فراتر از دانشگاه، فراتر از وزارت علوم و حتی فراتر از دولت دانستیم می‌توانیم امیدوار باشیم که چرخه توسعه علم و فناوری کشور به راه افتاده است ولی هر گاه که عبور زمان و از دست رفتن فرصت‌ها را در توجه به این مسائل احساس نکردیم، بدانیم که سرمایه‌های بزرگی را از دست داده ایم:

«سرمایه تجربه ملی، سرمایه اعتماد ملی و سرمایه انتخاب ملی را» (تفسیر عینی، والعصر ان الانسان لفی خسر). از دست دادن فرصت‌های توسعه علمی خسارتی است که حاصل آن بیش از امروز، در فردای جامعه قابل مشاهده است.

با این نگاه مهمترین چالش پیش روی نظام آموزش عالی، پژوهش و فناوری ایران «کسب منزلت فرهنگی، حقوقی، اجرایی و ساختاری» است. تحولات پرشتاب علم و فناوری در جهان و نقش ممتاز دانشگاه، دانشگاهیان و دانشجویان در ساختار کنونی اجتماعی، سیاسی و فرهنگی کشور ما ایجاب می‌کند که این چالش مهم را به عنوان یک واقعیت گریز ناپذیر بپذیریم و ابعاد آن را هم در زمینه آموزش عالی و هم در زمینه تحقیقات و فناوری روشن کنیم. تردید نکنیم که روش‌های رایج نه تنها به توسعه علمی نمی‌انجامد بلکه در سطح وضع موجود هم نمی‌تواند دانشگاه و مرکز تحقیقاتی را اداره کند.

ما نیازمند «تحول در بینش، تحول در روش و تحول در ساختارهای علوم، تحقیقات و فناوری کشور» هستیم. کافی است نگاهی به نارسایی‌های مهمی که از همین چالش اساسی نشات می‌گیرد داشته باشیم: ما امروز بیش از همیشه به «استقلال و آزادی علمی دانشگاه‌ها» و «توجه به

سرمایه‌های علمی کشور» نیازمندیم. نارسایی‌ها و چالش‌های اساسی نظام علوم، تحقیقات و فناوری و راهبردها و سیاست‌های متناظر با آن را بخش‌های مختلف این وزارت هم در ارتباط با برنامه سوم توسعه و هم در پیوند با چشم‌اندازهای برنامه چهارم توسعه که هم اکنون مورد بررسی است تبیین کرده‌اند. من تنها به اعتبار شاعران این نشست ارزنده و محدودیت وقت فقط به عناوین این «راهبردها و سیاست‌ها و مسائل و چالش‌های در پیش رو» اشاره می‌کنم:

۱- ضرورت «تحول در نظام سیاستگذاری وزارت علوم، تحقیقات و فناوری»، حل مساله مراکز تصمیم‌گیری و مسیرهای موازی و فراقانونی متعدد و نیز اقدام برای مبتنی ساختن ساز و کارهای سیاستگذاری بر اساس ارزیابی‌ها علمی و کارشناسی

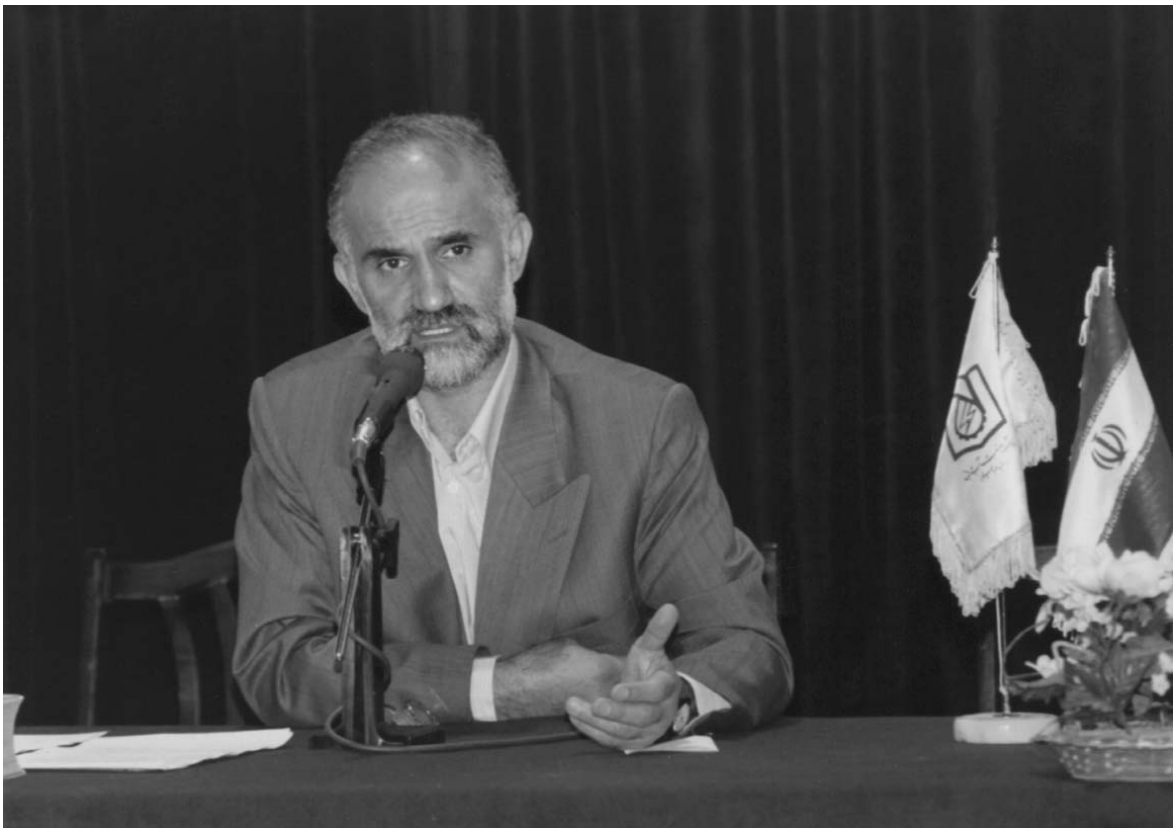
۲- ضرورت ساماندهی و یکپارچگی آموزش عالی کشور در عین تمرکز زدایی از طریق تسهیل امور اجرایی و تفویض اختیار به دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی و اهتمام به مقوله «استقلال دانشگاه».

۳- ضرورت توجه به مقتضیات فرهنگی و سیاسی برای رشد دانش و تفکر و «منزلت بخشی به علم، عالم و مراکز عملی» در فضای اجتماعی و مدیریتی و تغییر نگرش مبتنی بر سوءظن عدم اعتماد و برخورد‌های خشن نسبت به نهاد دانشگاه، دانشجو و دانشگاهیان، از طریق بالا بردن سطح مدارا و تحمل و پذیرش قواعد و لوازم دانشگاهی.

۴- ضرورت شفاف نمودن فرآیندها و پاسخگویی مراجع مسوول در برابر نارسایی‌ها و عدم موفقیت‌ها از طریق «تمرکز در سیاستگذاری و عدم تمرکز در امور اجرایی»

۵- ضرورت «فراهم آوردن محیط حقوقی مناسب» و اصلاح قوانین و مقررات و سازمان و تشکیلات حاکم بر نظام آموزش عالی و تحقیقات از طریق تحول در معیارهای عمومی حقوقی و حقوق اداری مبتنی بر تمرکز گرایی و دیوان‌سالاری.

۶- ضرورت توسعه اختیارات هیات‌های امنای دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی و نهادی کردن آن‌ها، تحقق «آزادی علمی و استقلال اداری مالی و تشکیلاتی» برای اعمال مدیریت و بهره‌وری مطلوب و متناسب با ماموریت‌های آموزشی و



پژوهشی و التزام اجتماعی دانشگاه.

۷- ضرورت «پاسخگویی به موج فزاینده تقاضای اجتماعی» آموزش عالی ناشی از تحول ساختار جمعیتی کشور که با عبور از نقطه اوج جمعیت ۱۸-۲۴ سال در ۱۳۸۳، کم و بیش تا سال ۱۴۰۰ ه'ش ادامه خواهد یافت.

۸- ضرورت فراهم آوردن «دسترسی برابر» و به دور از هر گونه تبعیض به تحصیلات عالی که متأثر از فقر اقتصادی و فرهنگی در جامعه و محدودیت منابع و ظرفیت های آموزش عالی است.

۹- ضرورت حفظ «موازنه کیفیت و کمیت در آموزش عالی» با توجه به ضرورت پاسخگویی به تقاضای اجتماعی با تامین منابع مالی و امکانات و رفع کمبود هیات علمی

۱۰- تاثیر پذیری تمامی شئون فردی و اجتماعی از تحولات پرشتاب علم و فناوری که ضرورت ارتقای سطح سواد عمومی به آموزش عالی و تحقق «راهبرد جهانی آموزش عالی و تحقق» راهبردهای جهانی آموزش عالی همگانی و مادام العمر را پیش می آورد (با تنوع بخشی آموزش عالی، بهره گیری از فناوری های پیشرفته اطلاعاتی و اطلاع رسانی و گسترش آموزش های نیمه حضوری و از راه دور،

(درونی و بیرونی) به منظور تداوم بهبود شاخص های آموزشی، پژوهشی و فرهنگی

۱۱- ضرورت بازنگری و «ارزیابی مستمر برنامه های آموزشی، پژوهشی و فرهنگی» دانشگاه ها و مراکز پژوهشی در جهت انطباق بیشتر با رهیافت های نوین علم و فناوری جهانی، شرایط جامعه بومی و نیاز بازار کار

۱۲- ضرورت ارایه روز آمد «آموزش های حرفه ای و تخصصی» به مدیران، فناوران و کارگزاران در بخش های مختلف تولیدی، خدماتی و مدیریتی باتوجه به شتاب دم افزون چرخش اطلاعاتی علمی و کاهش نیمه عمر دانش و مهارت های تخصصی و فنی کاربران

۱۳- ضرورت بازنگری ضوابط سنجش و شیوه های متمرکز «پذیرش دانشجو» متناسب با شرایط آموزش و پرورش عمومی و در جهت ارتقای کیفیت و کارایی درونی دانشگاه

۱۴- ضرورت توجه بیشتر به «پرورش خلاقیت، نوآوری، مهارت و کارآفرینی» در نظام برنامه ریزی آموزشی و درسی و تقویت تحقیقات دانشگاهی

۱۵- ضرورت تدوین و بکارگیری «نظام جامع و کارآمد نظارت و ارزیابی

۱۶- ضرورت «پیش بینی امتیازات و تسهیلات مادی و معنوی» در چارچوب طرح کارایی اعضای هیات علمی بر پایه حضور تمام وقت و موثر آموزشی و پژوهشی و نیز تامین امکانات رفاهی و معیشتی کارکنان و دانشجویان

۱۷- ضرورت پاسداشت و نگهداشت استادان، محققان، استعداد های درخشان، دانشمندان جوان و «سرمایه های علمی کشور» و بالا بردن ضریب اعتماد و امید در دانشگاه

۱۸- ضرورت «ارتقای سطح تفکر و خردورزی»، معرفت دینی و التزام اجتماعی در عرصه دانشگاه و بالا بردن قدرت انتخاب، نقد و خودباوری در میان دانشجویان و دانشگاهیان از طریق جلب مشارکت نظری و علمی آنان

۱۹- ضرورت «تنوع بخشی به درآمدهای دانشگاه ها و مراکز پژوهشی» و افزایش سهم آن از بودجه سالانه با ارایه خدمات پژوهشی و آموزشی، دریافت بخشی از هزینه های تحصیلی از دانشجویان و دانش آموختگان، جلب مشارکت بیشتر بخش خصوصی در تامین

۷- ضرورت «پاسخگویی به موج فزاینده تقاضای اجتماعی» آموزش عالی ناشی از تحول ساختار جمعیتی کشور که با عبور از نقطه اوج جمعیت ۱۸-۲۴ سال در ۱۳۸۳، کم و بیش تا سال ۱۴۰۰ ه'ش ادامه خواهد یافت.

۸- ضرورت فراهم آوردن «دسترسی برابر» و به دور از هر گونه تبعیض به تحصیلات عالی که متأثر از فقر اقتصادی و فرهنگی در جامعه و محدودیت منابع و ظرفیت های آموزش عالی است.

۹- ضرورت حفظ «موازنه کیفیت و کمیت در آموزش عالی» با توجه به ضرورت پاسخگویی به تقاضای اجتماعی با تامین منابع مالی و امکانات و رفع کمبود هیات علمی

۱۰- تاثیر پذیری تمامی شئون فردی و اجتماعی از تحولات پرشتاب علم و فناوری که ضرورت ارتقای سطح سواد عمومی به آموزش عالی و تحقق «راهبرد جهانی آموزش عالی و تحقق» راهبردهای جهانی آموزش عالی همگانی و مادام العمر را پیش می آورد (با تنوع بخشی آموزش عالی، بهره گیری از فناوری های پیشرفته اطلاعاتی و اطلاع رسانی و گسترش آموزش های نیمه حضوری و از راه دور،

(درونی و بیرونی) به منظور تداوم بهبود شاخص های آموزشی، پژوهشی و فرهنگی

۱۱- ضرورت بازنگری و «ارزیابی مستمر برنامه های آموزشی، پژوهشی و فرهنگی» دانشگاه ها و مراکز پژوهشی در جهت انطباق بیشتر با رهیافت های نوین علم و فناوری جهانی، شرایط جامعه بومی و نیاز بازار کار

۱۲- ضرورت ارایه روز آمد «آموزش های حرفه ای و تخصصی» به مدیران، فناوران و کارگزاران در بخش های مختلف تولیدی، خدماتی و مدیریتی باتوجه به شتاب دم افزون چرخش اطلاعاتی علمی و کاهش نیمه عمر دانش و مهارت های تخصصی و فنی کاربران

۱۳- ضرورت بازنگری ضوابط سنجش و شیوه های متمرکز «پذیرش دانشجو» متناسب با شرایط آموزش و پرورش عمومی و در جهت ارتقای کیفیت و کارایی درونی دانشگاه

۱۴- ضرورت توجه بیشتر به «پرورش خلاقیت، نوآوری، مهارت و کارآفرینی» در نظام برنامه ریزی آموزشی و درسی و تقویت تحقیقات دانشگاهی

۱۵- ضرورت تدوین و بکارگیری «نظام جامع و کارآمد نظارت و ارزیابی

منابع مالی، احیا و گسترش موقوفات و نیز «بهبود مدیریت منابع مالی آموزش عالی» با توجه به کاهش هزینه سرانه دانشجویی به یک سوم سال ۵۶ در ۱۳۸۰ (افزایش بودجه آموزش عالی دولتی به میزان ۷/۸ برابر با تعدیل اثرات تورمی در مقایسه با رشد ۴/۸ برابری تعداد دانشجویان طی ۲۴ سال گذشته در بخش دولتی).

۲۰- ضرورت حمایت از شکل‌گیری و گسترش «نهادهای مدنی دانشجویی و دانشگاهی» در عرصه‌های عملی، اجتماعی، فرهنگی و هنری در دانشگاه‌ها و تقویت انجمن‌های علمی- تخصصی و انجمن‌های دانش‌آموختگان در جهت تقویت پیوندها و تعامل اجتماعی آموزش عالی

۲۱- ضرورت پیگیری و تکمیل «طرح جامع توسعه آموزش عالی» بر پایه آمایش سرزمین و برنامه‌های توسعه کشور

۲۲- ضرورت موضوعیت و محوریت یافتن مقوله «توسعه علمی» به عنوان اساس و محور توسعه متوازن و پایدار کشور و به عنوان «عزم ملی» هم در سطوح نظری و هم در سطوح اجرایی

۲۳- ضرورت افزایش اعتبارات پژوهشی، متناسب با زمینه‌های بالقوه داخلی و شاخص‌های جهانی (به میزان حداقل ۲ درصد از تولید ناخالص داخلی کشور از منابع دولتی و خصوصی)

۲۴- ضرورت تخصیص اعتبارات پژوهشی بر پایه اولویت‌ها و راهبردهای توسعه کشور و میزان «کارایی و اثربخشی کارکرد دستگاه‌ها»

۲۵- ضرورت «اصلاح قوانین و مقررات مالی و اداری» به منظور تسهیل در استفاده از امکانات و اعتبارات موجود و تقویت انگیزه‌های مادی و معنوی پژوهشگری

۲۶- ضرورت ایجاد زمینه‌ها و تسهیلات مناسب برای «افزایش نقش بخش خصوصی در فعالیت‌های پژوهشی»

۲۷- ضرورت اصلاح قوانین حمایت از «حقوق مالکیت معنوی» متناسب با نیازهای توسعه فناوری و به منظور تشویق نوآوری و حفظ حقوق نوآوران

۲۸- ضرورت پیش‌بینی از «طرح‌های پژوهشی مشترک» میان دانشگاه‌ها، مراکز پژوهشی و دستگاه‌های اجرایی

۲۹- ضرورت توسعه تحصیلات تکمیلی، «تقویت قطب‌های علمی» و دانشگاه‌های پژوهشی، آزمایشگاه‌های

ملی، پارک‌ها علم و فناوری مراکز رشد و تمرکز فعالیت‌ها در زمینه‌های اولویت‌دار ۳۰- ضرورت توسعه و «تقویت شبکه

ملی اطلاع‌رسانی علمی» به منظور رفع نیازهای علمی و فناوری، توزیع اطلاعات و نتایج تحقیقات و ایجاد هماهنگی میان مراکز مختلف علمی و اجرایی

۳۱- ضرورت «نظارت بر روند توسعه فناوری» از طریق گسترش و تقویت فناوری‌های بومی، جذب و بومی‌سازی فناوری‌های وارداتی و بهره‌گیری بیشتر از توان علمی- فنی و مهندسی کشور و کاهش وابستگی به خارج

۳۲- ضرورت به‌کارگیری نتایج طرح جامع از نیروی انسانی متخصص (طرح نیازسنجی- موضوع تبصره- ۳۶ برنامه دوم توسعه) در جهت افزایش بهره‌وری در آموزش و تامین متخصصان و «بهبود ترکیب تخصصی نیروی انسانی» در ساختارهای کار و اشتغال کشور

۳۳- ضرورت تنوع بخشی و گسترش «ارتباطات و همکاری‌های علمی و بین‌المللی» و کاهش فاصله‌های علمی با جوامع توسعه یافته.

۳۴- ضرورت برنامه‌ریزی و مراقبت به منظور تداوم روند صعودی تولید «انتشارات علمی و پژوهشی بین‌المللی» از سوی دانشمندان و دانش‌پژوهان ایرانی و احراز جایگاه شایسته و متناسب با جمعیت کشور.

من بحث فشرده‌ای از راهبردها و سیاست‌های متناسب با چالش‌های پیش‌روی نظام آموزش عالی، تحقیقات و فناوری کشور را خدمت شما تقدیم کردم تا نهاد معتبر و محوری «هیات‌های امانا» و یکایک اعضای آن‌ها که در دانش، بینش و تجربه صاحب نظر و ملجا و مرجع توجه به مسائل و موضوع‌های بنیادی این بخش‌ها هستند عنایت باز هم بیشتری به مسائل و سیاست‌های آموزش عالی کشور داشته باشند. مطمئناً ما در کشور برای غلبه بر این مشکلات و پیگیری طرح‌ها و برنامه‌ها، منابع و سرمایه‌ها و ابزارهای مناسب هم داشته‌ایم و داریم، اما مهم این است که فرصت‌ها و تهدیدها را در حد و اندازه خود دریابیم. تجربه‌ها در کشور ما گران به دست می‌آید و لذا نباید ارزان از دست دهیم. برای نیل به توسعه همه‌جانبه کشور ناگزیر هستیم که تحلیل‌های خود از چالش‌ها، فرصت‌ها و تهدیدها را به واقعیت نزدیک کنیم: اگر

ضرورت و سرعت تحول ساختار علوم، تحقیقات و فناوری و اقتدار نظام علمی کشور، ضرورت آزادی و امنیت پایدار محیط دانشگاه و ضرورت حرمت و منزلت نسل دانشگاهی و متفکر و دانشجو و جوان را مورد تردید قرار دهیم یا آن‌ها را به حد مسائل یک بخش یا یک قشر یا یک دستگاه اجرایی تنزل دهیم، مطمئن باشیم که نه تنها به چشم اندازه‌های آینده نیندیشیده‌ایم بلکه در حل و فصل مسائل و چالش‌های پیش‌روی جامعه نیز درمانده‌ایم. باید این مسائل را در پیوند و در تعامل با یکدیگر بدانیم و گمان نکنیم که می‌توانیم ضرورت‌های سیاسی و ضرورت‌های اجرایی را منفک از همدیگر در نظر بگیریم.

این‌ها دردها و دغدغه‌های مشترک همه کسانی است که بالتزام دینی و اجتماعی و با درک و تجربه کارشناسی به امروز و فردای اسلام، ایران و انقلاب اسلامی می‌اندیشند و حقیقتاً پیش‌بردار اصلاحات، تحولات ساختاری و حفظ سرمایه‌های اجتماعی را فرصتی برای جبران عقب‌ماندگی‌های تاریخی می‌دانند. امیدواریم هیات‌های محترم امانا نیز به سهم خود با اهتمام به این دغدغه‌ها و دردها و تلاش برای پاسخگویی به این چالش‌ها فرصتی ارزنده برای توسعه علمی کشور فراهم سازند. از توجه و عنایت شما متشکرم و از تصدیق و اطاله کلام پوزش می‌خواهم، از محضر همگی خداحافظی می‌کنم، از زحمات و عنایات بی‌دریغ و حسن ظن شما نسبت به دانشگاه و آموزش عالی تشکر می‌کنم برای تیمن عرایضم را با ابیاتی از خواجه عارف و فرزانه شیراز که دوست عزیز می‌باشم به عنوان تفال برای اینجانب گرفته بود به پایان می‌برم.

سحر با باد می‌گفتم حدیث آرزومندی
خطاب آمد که واصل شو به الطاف خداوندی
دعای صبح و آه شب کلید گنج مقصود است
بدین راه و روش می‌رو که با دلدار پیوندی
قلم را آن زبان نبود که سرعشق گوید باز
ورای حد تقریر است شرح آرزومندی
در این بازار اگر سودی است بادرویش خرسند است
خدایا مصمم گردان به درویشی و خرسندی
«همه شما را به خدای بزرگ می‌سپارم»